

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

یادداشت:

ضمن ابراز امتنان خدمت آقای "آزاد. ل" به خاطر مطلبی که ارسال داشته اند، تشریف آوری شان را به پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان"، این مأمن تمام دگر اندیشان و آزادیخواهان کشور، از صمیم قلب خیر مقدم گفته امیدواریم بتوانیم برای همیشه با نوشته های جامع و افشاء کننده ایشان بر رنگینی صفحات پورتال بیفزائیم.

با کمال محبت

اداره پورتال AA-AA

آزاد. ل

۱۰/۰۹/۱۱

پوشش جنایات زیر نام اسلام

از اوآنیکه دست راست و چپ خود را شناخته ولی هنوز در میدان کارزار زندگی آمادگی پنجه دادن با هیولای وحشتناک پدیده های منفی جامعه را نداشتیم در محیط کوچک خانوادگی و محل مدرسه از اطرافیان خلاصه در همه جا گاه و بیگاه راجع به مسلمانی و مسلمان بودن و بهشت و دوزخ و خوبی ها و خوشی های که در انتظار مسلمان ها است و یکرورزی عملی خواهد شد میشنیدیم اما هیچگسی ازین فایده ها و منفعتی که مسلمانی دارد به طور مشخص و خاصی صحبت نمیکرد و گاهگاهی هم بعضی موضوعات چنان به هم مخلوط و آمیخته میشد که نه تنها تفکیک آن میسر نبود بلکه نتیجه گنگ و مبهمی به خورد من داده میشد که مدتها وقت میگرفت تا از آن سر گیچی رها شوم ممکن کوچک تر بودم و هنوز مغزم گنجایش پذیرش آن طرحها را نداشت و یا شاید طراحان هم نمیدانستند و تظاهر به مسلمانی و فهمیدن میکردند به هر صورت شب ها و روز ها سپری و سالها میگذشت تا اینکه پا در محیط کار و زندگی اجتماعی گذاشته تماسهای روزانه با مردم و تبادل افکار با آنان در زمینه های مختلف کم کمک معنی آن کلمات و جملات را در ذهنم روشن میساخت

من در یک فامیل مسلمان متولد و با رفتن اجباری گاهگاهی به مسجد و یاد گرفتن نماز و دعا و از حفظ کردن چند سوره از قرآن بدون اینکه مفهوم آنرا بدانم خود را در صفوف مسلمانان که اکثر آنها مثل خودم بودند یعنی از گفتار و رفتار خود هم چیزی نمی فهمیدند احساس کردم ما با هم فرقی نداشتیم تفاوت ما فقط در طرز لباس ، ریش و چیز های ظاهری بود اما به نام همه مسلمان بودیم و خود را فهمیده تر از دگران میپنداشتیم هر چه میخواستیم غیر

مسئولانه به زبان می آورديم و کسی نبود بگوید این حرف غلط است چون طرف اعتراض کننده یا مثل ما دانش اسلامی نداشت و یا از اسلام و مسلمانی به جز همان چند کلمه عربی و یک سلسله چرندیاتی که همه میگفتند چیزی بیشتر بلد نبودند.

یعنی اکثراً مفهوم گفتار خود را به ارتباط اسلام و مسلمانی نمیدانستیم اما مسلمان بودیم و هیچ سؤالی را بدون جواب نمیگذاشتیم چون دلیل به ناکامل بودن ما میکرد به یاد دارم زمانی را که در مکتب معلم دنیات ما که به او مولانا میگفتند با وجود یک هیج نوع سابقه تحصیلی در هیچ رشته ای نداشت به تشریح دین میپرداخت و همیشه از کرم ها و مار های صد سره و هزار سرو نیش که خداوند برای بندگانش که خود آنها را آفریده یاد آوری نموده و هم چنان توجه خاصی به تشریح عبادات اجنه و کرامات و دیوار سواری و... او لیای کرام داشتند بچه ها را در دنیائی از وحشت و ترس رها ساخته و خود جناب شان هم کمی دستپاچه میشدند. ایشان که در صنف اکثراً با کلاه قره قلی و بالا پوش {تریویرا} و ریش کوتاه ظاهر میشدند معمولاً کتابهایی که سفارش و به خواندن آنها تأکید زیاد میورزیدند همانا کنز، نجمای خاکی، انیس الواعظین، گلستان، بوستان، امیر ارسلان رومی و امثالهم بود ایشان هیچ سؤالی را در مورد هر چه و هر قدر هم پیچیده میبود صرف به خاطر اینکه استادی و اندازه فهم علوم دینی شان افشاء نشود هر گز بی جواب نمی گذاشتند.

در اجتماعی که همه مثل من مسلمان بودند از بعضی ها راجع به اسلام و نوع عملکرد تعداد زیادی از مسلمانان که همه دروغ، ریا، فریب، خیانت، جنایت و ده ها خرابکاری دگر بود؛ میپرسیدم در جواب میگفتند: زیاد پرسان مکن که به علاوه فایده نداشتن در بین مردم به نام گمراه انگشت نما شده و گناهکار هم می شوی فقط هر چه بزرگان و موسفیدان و ملا صاحبان میگویند چنان کن که فایده دارد

یکی از مسایل زجر دهنده دگر شبهای نوبت ملا بود که فرمایش خوراک اوشان روز قبل تو سطر {چلی} که معمولاً پسر بچه ای که هنوز ریش نداشت اطلاع داده میشد که ملا صاحب به چه نوع غذائی اشتها دارند و ما مکلف به تهیه آن هستیم و جای هم خدمت شان ارسال میشد. متأسفانه ملا صاحب ناحیه ما از نوع غذا های غربیانه خوش شان نمی آمد. با وجود یک تهیه خوراکیهای ابتدائی زندگی با عواید ماهانه آنوقت برای فامیل هفت نفره ما خیلی مشکل بود اما مجبوراً امر ملا صاحب به خاطری که تکفیر نشویم، اجرا میشد.

شنیدن صحبت های در هم و بر هم ملا صاحبان و نوع خدمتگذاری آنها بر مقامات دولتی و ارباب قدرت نشان دهنده چیز های دیگری بود که فهم و درک آن مدت ها طول کشید و اما مشخصاً چیزی را که ملای ناحیه ما زیاد به مقتدیان گوشزد و تلقین میکرد همان موجودیت جن و پری و طرز عبادات ملائیکه بود و نگذشتن از قبرستان در شب های چهارشنبه و تعداد دانه های تسبیح که چند دانه آن چقدر ثواب دارد و در وقت انداختن چه گفته شود.

در ماه رمضان به گرسنگی اجباری کشانیده شده و شب ها در نماز جماعت مثل همه دوستان و همسایه ها به عبادت مشغول بوده و بدون فهمیدن مفهوم حرکاتی که انجام میدادیم و عباراتی از قرآن که عربی بود و هیچکدام ما نمی دانستیم که چه میگوئیم، مشغول و در همان فکر به فردا می اندیشیدیم. کم کمک عادت کردم که فهمیده یا نفهمیده اجباراً باید مسلمان بود مسلمانی جز زندگیم شده بود از ملا و ملک. خان و... اطاعت و گاهی به مسجد رفته و آیاتی را از قرآن که اصلاً معنی آنها نمیفهمیدم به حافظه می سپردم.

محیط زیست ذهنیت مردم و عملکرد بعضی از آدم ها بمن فهماند که مسلمانی فایده دارد اما نه برای همه، فقط برای آنانیکه رموز و فن فایده گرفتن را بلدند آنانیکه قدرت دارند. ریش دارند عربی صحبت میکنند و آنهایی که

میدانند چطوری در مقطع های مشخص تاریخی عملکرد های غیر مجاز و انسانی خود را در قالب و چوکات بندی های اسلامی تبارز و مقاصد شوم خود را جامه عمل پوشانیده و ملتی را در گمراهی دایمی نگهداشته و آنها را در دعا گوئی به خود مشغول نگهدارند و احیاناً اگر به مخالفتی که کمتر ممکن است اتفاق بیفتد مواجه شوند فتوای گناه کبیره و کافر و بیدینی به سادگی صادر و جای آنها در کنج سلول های زندان و یا چوبه های دار باشد. آنها به خود حق میدهند تا هر چه خلاف میل شان در جامعه به وجود بیاید به آنها خط بطلان کشیده و طرح جدیدی که حافظ منافع طبقاتی شان باشد بر انسانهای بیخبر از نیرنگ و افسون این تاجران دین ریخته و عملی سازند آنها بدون شتاب با خونسردی استادانه میخواهند جلوه دهند که به نعمات کم این دنیا قناعت داشته و فقیرانه میل دارند در همین دنیای فانی تا آنجا که امکان دارد زندگی کنند و اسلام سر پوشی باشد برای پنهان ساختن هر چه فساد و جنایت که مرتکب میشوند و آنها صلاحیت دارند تا در زندگی همه مردم مداخله، تبصره و اظهار نظر بدارند و رهنمائی کنند.

اطاعت از مسلمانان پولدار و ریش دار، حاکم محل، آمرین و فرمان روایان جامعه، زمینداران و ارباب هارا بالای مردم منحصراً یک فریضه دینی تحمیل دارند و از خداوند برای این گروه از مردم طلب آمرزش کرده و تأکید نمایند، که در مقابل هر ناملایمات و تکلیف های خلق شده دنیائی آنها را از طرف خدا دانسته ناشکری نعمت های الهی را نکرده و به روز آخرت امید وار باشند. بهشت برین جای صابران است و ده ها حور بهشتی بالغه منتظر او شان است و به خاطر صبر و شکیبائی آنها در مقابل مظلومی که در حق شان شده و میشود هر چه نعمت الهی است به او شان ارزانی میشود فقط درین دنیا خلاف اوامر و دستاویز این برگزیدگان خداوند حرفی نزنند و عملی انجام ندهند در غیر آن چیز های خوب بهشتی را از دست خواهند داد و هر گز به آن نعمت های بی پایان و حور های بینظیر که هر لحظه باکره میشوند و شراب های پاک و تطهیر شده اسلامی و بهشتی نخواهند رسید و غلامانی که هنوز پشت لب سیاه نکرده اند دگر انتظار شانرا نخواهند کشید. آنها توانسته اند با پیمودن راه های ساده و هموار مدارج مسلمانی {چلیگری، ملایی، مولوی گری، مولانایی، شیخ و پیشوا، نقیب، قطب، امام و غیره} را طی و هر کدام نظر به موقف اجتماعی و بر خوردار بودن از احترام مردم به همان پیمانهای مقاصد شوم و شیطانی خود را بر مردم تحمیل و با استفاده از مظلومیت، نا آگاهی و خوشباوری آنها سعی و تلاش دارند تا ثابت کنند که هنوز هم تف کردن آنها بر زخم و صورت شان دوا کننده همه درد ها و آلام زندگی شان است. تعویذ های کاغذی و انتر نتی کار گر است و همه کاره آنها هستند.

برداشتن من ازین طرز مسلمانی و نتیجه گیری از پند، اندرز، رهنمائی و تحلیل مولوی صاحبان ما که اکثر آنها بیسواد مطلق بوده و هیچ بهره هم از فهم و دانش ابتدائی نداشتند و فقط ریش داشته و ملا بودند این است که سعی در تلقین اینکه که باید بشر بپذیرد که زمین روی شاخ گاو و گاو هم بالای ماهی سوار بوده و ماهی در بحر لا یتناهی در حرکت است و انسان فقیر و صبور در آن دنیا به بهشت میرود و گناه کاران جای آنها دوزخ است و آنها کسانی اند که از اسلام و مسلمانی دور اند.

در سه دهه اخیر در کشور ما اشکال دیگری از اسلامیت تجلی پذیر و هر یک برای ثبوت حقانیت خود جان هزاران تن از هموطنان مظلوم و بی پناه ما را به طرز وحشتناک و بربرمنشانه آن گرفته و صد ها هزار قربانی معیوب این جنگ های اسلامی امروز برای پیدا کردن لقمه نانی در کوچه های شهر ها سرگردان بوده و محروم از حد اقل وسایل زندگی هستند، یک نسل آواره و جنگ زده و فهمیده نشد که چه نوع اسلام و مسلمانی؟ ما شاهد اسلامیت و مسلمانی در چهره های خشمگین و غضب آلود آن عده از مردم که میفهمیدند مسلمانی فایده

دارد بودیم و فهمیدیم که فایده آن در چیست و خیلی روشن امروز هم میتوان با مرور ساده از کشتار های اسلامی، ایجاد ترور و وحشت اسلامی در بین مردم به همان وضاحت قضیه را دنبال کرد و دید که پولهای زیاد بین رهبران جهادی تقسیم گردید تا به اصطلاح جهاد شانرا دوام و ملت بیچاره و ساده دل ما را پیشاپیش صفوف به قربانگاه ها بفرستند (البته صحبت پیرامون بعد سیاسی آنرا به وقت دگر میگذاریم) که همه جهان شاهد قربانی بیدریغ این نسل دلیر و با شهامت بودند.

درین صحبت مختصر تنها میخواهم از بعد اسلامی به این جنگ های خانم سوز مختصراً تماس بگیرم و کمی روشن شود که جنایات اسلامی به نام اسلام بر ملت ما تحمیل شده چشم دید های من از اسلام و مسلمانی ابتدائی خودم و مردم دور و پیشم بود و هر گز فکر نمیکردم این اسلام ساده و بسیط که فقط در صحبت چند نفر بی معلومات و دیدن تصاویری از عقوبت های الهی که متوجه بندگان خدا بود روزی آنقدر وحشی شود آنقدر خونخوار شود که همدگر خود را مثل حیوان بدرند، پاره کنند و حتی بر اجسام جامد و بیروح که احساسی ندارد بدون رحم همه را پاره پاره کنند، سوراخ سوراخ کنند، منهدم بسازند و خلاصه هر چه در توان دارند به ضد هموطن، همقطار، هم شکران خود و سنگ و کلوخ و چوب وطن استفاده و خصلت های وحشتناک خود را در قالب اسلام و هم در چهره اصلی اسلام بنمایانند دیدیم و شنیدیم.

جنگ های داخلی کابل جنگ مسلمان با مسلمان و همه جناح های در گیر خود شانرا مسلمان مینامیدند و میتوان دید گاه و معیار های اسلامی شانرا در عملکرد های وحشیانه و جا برانه آنها نسبت به هم به ارتباط چور و چپاول مال و زندگی مردم بید فاع وطن مشاهده کرد و عملکرد هر یک ازین تنظیم ها را در رابطه به کشتار هم وطنان ما و خدمات عالی جنابان به بادران عربی شان ارزیابی نمود و نتیجه گرفت که مسلمانی یعنی چه؟؟ هزاران هموطن بیگناه و پاک دل قربانی این اسلام و مسلمانی شدند و هزاران دگر مظلومانه شاهد مرگ عزیزان و اعضای خانواده خود بودند و ناامیدانه به آسمان نگاه میکردند تا صدای خاموش شان به گوش خداوند که صابران را دوست دارد، برسد.

درین جریانات هزاران طفل و زن یتیم و بیوه شدند فقط به جرم بیگناهی و به خاطر تشخیص ندادن انواع اسلام و مسلمانی. سینه بریدن و پوست کردن زنها در جنگ افشار و به یغما بردن مال و منال مردم مظلوم به یاد آورنده وحشت و بربریت نسل های وحشی صد ها سال قبل یعنی پیشقراولان این گروه های خونخوار که قربانیان بیحساب داشته است، میباشد که روی چنگیز و آتیل را در تاریخ سپید گردانیده اند.

این بود آنچه به نام اسلام و مسلمانی شده است و فقط مظلومان صدمه آنرا دیده و مزه تلخ این نوع اسلامیت را چشیده اند و فکر کرده اند **همین است اسلام ! بلی چنین است اسلام و چنین بوده است !**

نباید فراموش کرد آنچه را لیس بن قیس، عبدالرحمن، امام قطیبه و ربیع سردار عرب در میهن ما کرده اند و پیروان آنها بی باک تر از آنها چنین میکنند و هر که در اسلام قدرت یافته کاری بهتری نتوانسته و نخواسته انجام بدهد. این ملت بیچاره که هنوز از کشتار های تره کی، امین، ببرک و نجیب خواب های وحشتناکی می بینند و هنوز هم قیافه های منحوس آن رفقای انقلابی را به یاد دارند دچار مصیبت ها و بد بختی های برادران اسلامی گردیدند آنهم چه نوع اسلامی؟

نوگری به اجنبیان و پیش خدمتی صادقانه و ناموس فروشی به شیوخ عرب و بادران روسی شان انگیزه اصلی این اعمال بوده و جریانات بعدی و عملکرد رهبران جهادی اسلامی این را ثابت ساخت

همه این رفقاء و برادران مثل خاکشاه مداری چشم دریده، بی حیا و گستاخ چنان کار هائی میکنند و صحبت هائی میدارند که گویا هر گز چیزی نشده و اتفاقی نیفتاده است و عوام الناس فکر نکنند اینها مسلمان نیستند آنها میخواهند تا تمام جنایات خود را زیر هر نامی که صورت گرفته حتی این آشتی و هم آغوشی آنهائی که دیروز در مقابل شان در سنگر بودند و امروز باهم در زیر یک سقف با هم نشسته و از دست آورد های جهاد اسلامی لذت مشترک میبرند پنهان کرده همه باهم دوست و رفیق بوده و در سرمایه گذاری های دوبی و اروپا شریک های خوبی استند محبت های برادرانه و همکاری های بی شایبه و دفاع از همدگر شانرا در عملکرد های سیاف، قانونی، گلاب زوی، راکتی، پدram، خلیلی، محقق، اکبری، رفسنجانی، احمدی نژاد خامنه ای، تنی و دگر چهره های منفور اسلامی و هم بقایای کثافات ۷ ثور و قیافه های پلید گردانندگان حزب افغان ملت به وضاحت کامل دید و از اسلام تجسمی ایجاد و به تماشا نشست.

اما فراموش نباید کرد که قربانیان جنایات این اسلام گرایان همه هموطنان بی دفاع و مظلوم ما بوده که بعد از مدتی زیر حمله های جانوران بی دم و وحشی های خونخوارتری دگر به نام طالب این اعجوبه وحشی و درنده تاریخ قرار گرفته و آنچه از گرگان قبلی باقی مانده بود نصیب سگ های ولگرد و خیابانی که زنجیر پاکستانی در گردن داشتند، قرار گرفتند و قتی که این جانوران وارد خاک ما شدند همه این گلدسته های نازک و درباری به خارج پناه برده و یک عده هم در داخل در جاهای امنی مسکن گزیدند و موقع و شرایط را به آن گرگها مساعد تر ساختند و آنها هم وحشیانه به هر سمت میتاختند و ملت در خون می تپید و آنزمانی که مردم دنبال پارچه های بدن عزیزان و جگر گوشه های غرقه به خون خود میگشتند رهبران جهادی و رفقای انقلابی پله بین تیفونی از همدگر احوال صحت مندی فامیلی را از لندن، تاجکستان، ترکیه، دهلی، فرانسه، کانادا، استرالیا، روسیه و امریکا با هم مخا بره میکردند و منتظر بودند تا یک بار دگر این ملت صاف دل دلیر که همیشه شجاعانه در مقابل هر نوع تهاجم جنگیده و قهرمانی های خود را در جهان به اثبات رسانیده، باز بر خاسته و زمینه بر گشتن این روباه های مکار را با قربانی خود مساعد سازد تا آنها دو باره به آن زندگی رویائی شان برگشته و بر گرده های این ملت سوار شوند و حکومت نمایند چون آنها خود را وارثین به حق باقیمانده های سنگ و کلوخ وطن و ویرانه های شهر ها که از مغان جهاد شان است میدانند و به انسان کشی های اسلامی خود مباحات دارند بلی انسان کشتن، هموطن مظلوم را سر بریدن، به آدم های وحشی صفت افتخار آفرین است. **بلی این است مسلمانی زیر هدایت قرآن !**

اکنون آقایان بی شرف تر از سابق و هر کدام نظر به سابقه خدمت و وارد بودن در علم چاپلوسی، وطنفروشی و بی وجدانی به همان اندازه به جاها و مقام هائی رسیدند که سالها با قبول هر پستی و وطنفروشی در آرزویش بودند.

هموطن عزیز. ببین و توجه کن گذشته آقا زاده و عرب زاده ها را و هر که را ببینی آخر کارش روی دلایلی به اسلام و مسلمانی ختم میشود حتی آدم هائی که سابقه نه چندان دینی و اسلامی داشتند و روز گاری منحیث پیشگامان اندیشه های مترقی و چپی در جامعه عرض وجود کرده بودند و صد ها جوان روشن و پاکدل ما را که جز عشق وطن و مردم و سر بلندی میهن خود گناهی نداشتند با تکیه بر شعار های انقلابی این آقایان قربانی شدند امروز اینها به تئوریسن های اسلام و مدافع سر سخت مسلمانی تبدیل گشته اند. اکنون همه ان داکتر ها، استاد ها و پروفیسر ها اسلام شناس شدند و در مطبوعات و تلویزیون های برون مرزی با نکتائی و ملبس به لباس ریا و فریب در قالب و چوکات دگر خوندنمائی و بحث های اسلامی را راه انداخته و بیشر مانه به دفاع از اسلام و مسلمانی گلو پاره میکنند

اکنون همه این مسلمان نما ها بعد از مدت ها جنایت، آدم کشی، قاجاق، تجاوز به مال و ناموس مردم در زیر یک سقف نشسته و از شراب های اسلامی لذت میبرند دگر با هم اختلافی ندارند و بد بینی در کار نیست همه شان به سر منزل مقصود رسیده اند و تعداد دگر دیوانه وار در تلاش رسیدن به آن هستند. یک تعداد آنها که هنوز هم در خدمت اعراب وحشی و جنایت پیشه استند خیلی ها هم مکارانه در حفظ منافع آنها کوشیده و از هیچ نوع خدمتگذاری به هر شکل ممکن دریغ نورزیده و سعی در مسلط ساختن ایده های کهنه و خرافاتی آنها به شکل مدرن آن هستند و سعی دارند که با مغشوش و مخدوش ساختن ذهنیت مردم مخصوصا نسل جوان شرایط تحمیل مفکوره های شیطانی و عقب گرایی، کهنه پرستی و جنایت پیشگی صلح آمیز را مساعد ساخته و به آسیاب استعمار عربی آب بریزند. نمیتوان آن جنایات و انسان کشی های اربابان قدرت را که در مقطع های تاریخی کشور بر این ملت مظلوم و ساده دل به انواع و اشکال مختلف به نام دین، اسلام و مذهب وشعار (نان - لباس - خانه) از هیچ نوع جنایت دریغ نکرده اند، نادیده گرفت .

زندگی های به تاراج رفته مردمان ما که باعث شده تا اینها به نوائی برسند، به دست فراموشی سپرده شده و خونهایی که آنها ریخته اند و چپاول و جنایات شان به هر شکلی که بوده و ثبت تاریخ است پنهان نگهداشته و با یقین کامل مردم نمی توانند آگاهانه از آن گذشت کنند و اگر کسی ازین همه واقعیت های تلخ چشم پوشی کند به یقین یکی از آنها خواهد بود

باید گفت که ای ملت مظلوم، ای ملتی که هنوز هم افسانه های زمستانی را بیشتر از تاریخ گذشته ات دوست داری و هنوز هم در خواب سایه بید و جو های شیر و عسل استی و صد ها سال است که گوسفندوار به قبر های قاتلین آباء و اجدادت، به دزدان ناموس و فر هنگت، به متجاوزان غرور و شوکت ملی ات نا آگاهانه و با کمال ادب سر تعظیم فرو می آری و با گریه و زاری از مرده های آن جنایت پیشه ها طلب کمک میکنی و علاج درد های مادی و معنوی ات را از آن خونخواران وحشی میخواهی، فکر میکنم بس است کمی به مغزت فشار بیاور و ببین به تو و تاریخچه گذشته چه کار هائی که در حق تو نشده است . این قطیبه ها این عبدالرحمن ها این دو شمشیره هالین تازی های وحشی و خونخوار مرجع نجات تو نیست و شرم آور خواهد بود تا در پای قاتلان آباء و اجداد خود به تضرع نشست و طلب استمداد کرد . میدانم روشنفکران و پیشگسوتان ما که دم از حقوق انسانی، عدالت اجتماعی، روشنگری و انسانیت می زنند کمتر روی این موضوعات و حقیقت های تلخ گذشته ما تماس گرفته و یا اصلا به آن اهمیتی نمیدهند البته طرز اندیشه شان نسبت دلایل که تقریبا به همه روشن است مسیری دگری را می پیماید اما تو ای هموطن که تا حال قلب پاکت از آلودگی های سیاسی و اخلاقی دور است و خوشباوری های تو باعث شده تا بازیچه امیال و خواسته های شوم این دلالان دین شوی و آنها سالها درین معامله گری ها مشغول و ترا وسیله بر آورده شدن آن امیال ساخته اند و آنها از پدران و اجداد شان به ارث گرفته اند حال بر من و تو است تا متوجه این خطر جدی که تهدید و نا بود کننده حیثیت و شرف انسانی است شده و با تکیه به نیروی خود و نسل جوان وطن که پیشتازان فکری تمدن جامعه بشری است مجهز با اندیشه های نو با در نظر داشت تمام واقعیت های تلخ و سیه جامعه امروزی بشری گام به گام پیشرفته و تا محو کامل این سفاکان و کاسه لیسان اجنبی مخصوصا نوکران اعراب که به هر شکلی و از هر جا که سر میکشند با تمام وسایل ممکنه به تلاش های مذبحخانه خود ادامه داده چه عمامه بر سر و چه نکتائی به گردن داشته باشند به پا ایستاده ماهیت کثیف شانرا افشاء و در سنگر مبارزه علیه شان با هم متحد ایستاده و تا نابودی کامل شان از مبارزه خسته نشده و به پیش رویم تا برای همیش گلیم این اهریمنان شوم و

شیطان صفت، مفت خوران و اجیران استعمار نو و کهنه که اکثراً در زیر سایه دین و مذهب تظاهر میکنند از صفحه تاریخ محو و دامن کثیف شان بر چیده شود تا این به پا بر خاستن و مبارزه من و تو درین راستا باعث نجات نسل های بعدی ازین نادانی و حماقت ها گردیده تا باشد که شمه ای از مسؤولیت وجدانی خود را در مقابل مردم خود ادا کرده باشیم.

به سوی یک افق روشن انسانی

.